

## حقوق و تکالیف زوجین در خانواده ایرانی (مطالعه موردی شهر هشتگرد)

دکتر علیرضا کلدی<sup>۱</sup>، مهدی اصل زعیم<sup>۲</sup>

### چکیده

حقوق و تکالیف در خانواده ایرانی به تناسب تغییر در ساختار درونی نهاد خانواده با تغییراتی روبرو گردیده که در این پژوهش این موضوع از سه منظر دین، قانون مدنی و عرف اجتماعی و فرهنگ عمومی نگریسته شده است. با مروری بر محتوای تفاسیر متون مقدس و آرای علمای دین، مفاد قانون مدنی جمهوری اسلامی و فحواي موجود در مصادیق فرهنگ عمومی آنچه مسلم می شود، سنگینی کفه حق به نفع مردان است که گاه این پدیده اجتماعی و محصول تاریخی با توجیحات ایدئولوژیک در سایه فرهنگ مرد سالار ایران همراه می گردیده اما آنچه مسلم است زن ایرانی در سایه تحولات سیاسی، اجتماعی اخیر از ایستارهای گذشته فرسنگ ها فاصله گرفته و در جامعه در حال گذار ایران بازگشت به گذشته امکانپذیر نخواهد بود لذا در راستای تعدیل نظام حقوق و تکالیف مطابق با ساختار موجود، که عموماً قدرت چانه زنی زنان را در کسب قدرت در نهاد خانواده بیشتر کرده لازم است سایر نهادهای اجتماعی از جمله دولت، آموزش و پرورش، دین، رسانه و ... با نگرش احقاق حقوق اعضای خانواده در قالب مفهوم شهروندی خانوادگی اهتمام جدی نمایند تا نهاد خانواده بعنوان نهادی مؤثر، بدون بروز تنش به کارکردهای تعریف شده خویش بپردازد زیرا در صورت عدم پذیرش واقعیتهای موجود، ساختارهای غیر قابل انعطاف برخی نهادها نخواهد توانست به نیازهای روز ایران پاسخی در خور دهد لذا جامعه ناگزیر به گذر از آن خواهد شد که ثمرات خوشایندی در پی نخواهد داشت. یافته های تحقیق نیز نشانگر این مهم است که زنان و مردان در حوزه نظری وارد عرصه های جدیدی از نگرش به زندگی مشترک و فاصله گرفتن از نقش های کلیشه ای شده اند منتهی در برخی متغیرها همچون ریاست مردان بر خانواده و یا انجام مشترک کارهای خانگی می توان تفاوت هایی را در گروه مردان و زنان مشاهده کرد لیکن با توجه به حضور گسترده زنان در عرصه های اقتصادی - اجتماعی پیش بینی می شود در آینده ای نزدیک ساختار خانواده ایرانی دستخوش تحولاتی جدی گردد.

**واژگان کلیدی:** خانواده، حقوق و تکالیف، زن و مرد، دین، قانون، فرهنگ عمومی، شهروندی

خانوادگی، برابری جنسیتی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۰/۲۰

۱- استاد دانشگاه توابخشی و علوم بهزیستی (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

#### مقدمه

خانواده در گذر از معبر زمان در فراز و فرودهای گونه گونه قرار داشته و به اقتضای شرایط نه تنها در شکل بلکه در روابط این نهاد اجتماعی دگرگونی هایی بارز ایجاد شده است و از آنجا که ساختارهای اجتماعی نمودهای مشهود بیرونی دارند که یکی از بارزترین آنها نظام حقوقی جوامع میباشد. ناگزیر در خانواده نیز این نظام به عنوان واقعیتی ملموس و قابل مطالعه خود نمایی می نماید. تغییرات ایجاد شده در دهه های اخیر بویژه آموزش عالی و انقلاب تکنولوژی اطلاعات تما ما شرایط دگر دینی در نهادهای مسلط اجتماعی را فراهم کرده اند به گونه ای که ساختارهای خاص و ویژه در برخی از نهادهای اجتماعی چنان کار کرد گذشته خویش را از دست داده اند که لاجرم به فراموشی سپرده می شوند و خانواده نیز از این مهم مستثنی نیست در این فراشد جدید «مسئله بر سر از بین رفتن خانواده نیست بلکه گونه گونه شدن همه جانبه خانواده و تغییر نظام قدرت در آن است» (کاستلز، ۱۳۸۵، ص ۲۶۸). چرا که امروزه با تغییر ساختارهای موجود جامعه، توازن گذشته دچار آشوب و آشفتنگی شده است به گونه ای که پدیده ای بنام پدرسالاری در اقصای تحصیل کرده و خانواده هائی با زنان شاغل (البته شغل های رسمی و سازمانی) با بحران روبرو گردیده «اولین پیامد فرآیند مشارکت زنان در بازار کار و مشاغل درآمدزا، افزایش قدرت چانه زنی زنان بوده است» (همان، ۲۱۵). و این میدان جدید قدرت و شکل نو از نهاد خانواده به تناسب خود، نظامی از حقوق و تکلیف را برای اعضای خانواده پدید آورده است که اگر توجه لازم و کافی به آن نشود می تواند پیامدهای ناخوشایندی را داشته باشد و در صورت شناخت، صحیح شرایط موجود می توان امید داشت نهاد اجتماعی خانواده همچنان بعنوان نهاد اجتماعی موثر نقش خود را به درستی و راستی ایفا نماید لذا در این پژوهش سعی شده موضوع "حقوق و تکلیف زوجین در خانواده ایرانی از منظر برداشتهای دینی، قانون و عرف مورد کنکاش قرار گیرد".

#### ادبیات تحقیق

##### حقوق و تکالیف از نگاه دین

در حوزه " حقوق و تکلیف زوجین در خانواده از منظر دین از آیات شریفه قرآن کریم، تفاسیر مفسرین و آراء فقها و مجتهدین بهره گرفته شده تا بتوانیم نگاهی داشته باشیم از منظر دین با منابع مذکور به جایگاه و چیستی زن و مرد چرا که بر اساس هویت بخشی به این دو موجود است که بنابه

تعریف آنها و نوع رابطه مشارکت جویانه یا اقتدارگرایانه و یک سویه ، حوزه حقوق و تکالیف هریک معین می شود .

#### تغرش دینی نسبت به زن و مرد

با نگاهی به آیات شریفه قرآن کریم مشاهده می کنیم که خداوند می فرماید:

«یاایهاالناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده وخلق منها زوجها وبت منهارجالا کثیرا و نساء»  
(آیه یک سوره نساء).

«ای مردم بترسید از پروردگارتان ، آنکه شمارا از یک تن بیافرید و از آن یک تن همسر او را و از آن دو مردان و زنان زیاد پدید آورد» و همچنین در آیه ای دیگری می خوانیم :

«انا خلقناکم من ذکروا نثی وجعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا و ان اکرم کم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر» (آیه ۱۳ ، سوره حجرات).

"ای مردم ما شما را از نری و ماده ای بیافریدیم و شما را جماعتها و قبیلها ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید، هرآینه گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست ، خدادادانا و کاردان اس ." به استناد آیات مذکور «زن و مرد در اصل خلقت مساوی هستند و یکی بر دیگری ترجیح ندارد و ملاک ارزشمندی افراد بر تقوا بنا شده است نه جنسیت آنها و هیچ ارزشی را در اسلام نمی توان یافت که قرآن به آن اشاره کرده باشد و تمامی مردم را در بر نگیرد هر چند که بصورت جمع مذکر به کار رفته باشد. از جمله این ارزشها ایمان و عمل صالح ، علم ، دانش ، تقوا و .... است .» (کدیور، ۱۳۸۱، صص ۱۲-۱۳). و میتوان آیات دیگری را نیز شاهد آورد برای اثبات آفرینش واحد زن و مرد همچون: آیه ۲ سوره علق، آیه ۶ و ۷ سوره طارق، آیه ۷۷ سوره یس، آیه ۱۱ سوره فاطر و آیه ۵ سوره حج.

«در قرآن کریم کلمه "الناس" (مردم). ۲۴۱ بار استعمال شده است که یک موردش آیه ۵ سوره حج می باشد و در همه جا ، منظور از خطاب به ناس یا مردم همه مردان و زنان روی زمین است . کلمه " انسان " هم ۶۵ مرتبه در قرآن تکرار شده است ، انسان کلمه ای است که زن و مرد را یکسان شامل میشود» (محمودی، ۱۳۷۸، صص ۱۳-۱۷). و از دیگر آیات قرآن کریم دال بر آفرینش برابر مردان و زنان می توان از آیه ۲۱ سوره روم بهره گرفت و بسیاری از آیات شریفه قرآن کریم که به تساوی شان انسان بودن زن و مرد دلالت دارد و به آنها یکسان نگریسته از جمله: آیه ۲ سوره

نور، آیه ۳۵ سوره احزاب، آیه ۱۹۵ سوره آل عمران، آیه ۱۲۴ سوره نساء، آیه ۹۷ سوره نحل و.....

در خصوص تساوی و عدم مساوات بین زنان و مردان دو دیدگاه حاکم است: دیدگاهی که زن و مرد را هویتا مساوی میداند و آنها را به مثابه انسان مینگرد، علیرغم تفاوت‌های بیولوژیک و یاروانی که عموماً مستندات قرآنی آن بیان شد و دیدگاه دوم بر تفاوت فی ما بین زن و مرد اعتقاد داشته آنها نیز مستندات خود را نه تنها از روایات و احادیث بلکه از آیات شریفه قرآن کریم عرضه میدارند که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

#### مستندات قرآنی دسته دوم: (قائلین به عدم مساوات).

"الرجال قوامون على النساء، بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم"  
"مردان سرپرست زنانند بدان روی که خداوند برخی از آنان را بر برخی دیگر برتری داده است و برای آنکه مردان از دارایی‌های خویش می‌بخشند."

برخی از مفسران بر این باورند که این آیه کریمه بدلیل عمومیت علتی که در آن ذکر شده قوامیت مردان بر زنان را بطور کلی در همه امور اجتماعی از قبیل حکومت، قضا، دفاع و .... اثبات میکند؛ بنابراین در تمام امور یاد شده این مردانند که صلاحیت قیام و انجام کارها را دارند و نه زنان، و یا استناداتی همچون آیات ۱۸ سوره زخرف و ۳۳ احزاب را بیان میدارند که می‌فرماید:

"او من ینشوا فی الحیله و هو فی الخصام غیر مبین" (آیه ۱۸، سوره زخرف).

"آیا آن کس که در زیور پرورش می‌یابد و در چالش ناتوان است (شایسته فرزندی خداوند است؟).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۸ زخرف مینویسد: «این دو صفت را که برای زنان آمده برای این بوده که زن بالطبع دارای عاطفه و شفقت بیشتری و تعقل ضعیف تری از مرد است و از روشن ترین مظاهر قوت عاطفه زن علاقه شدیدی است که به زینت و زیور دارد و از تقریر حجت و دلایل که اساسش قوه عاقله ضعیف است» (طباطبائی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۲).

"و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن برج الجاهلیه الاولى" (آیه ۳۳، سوره احزاب).

"و در خانه‌هایتان آرام گیرید و چون خویش آرای در دوره جاهلیت نخستین، خویش آرای مکنید"

«گاهی از آیه ۳۳ احزاب ضرورت خانه نشینی زن استفاده میشود که اگر این برداشت درست باشد میتواند دلیل بر نفی مشارکت سیاسی زن شمرده شود» (عسکری، ۱۳۸۴، ص ۸۵).

همانگونه که در پیش گفته شد اختلاف نظر بین صاحب نظران دینی همواره موجود بوده به گونه ای که «ملاصدرا در کتاب "السفار الاربعه" ضمن بر شمردن نعمات خداوند به انسان یکی از نعمتها را تولد حیوانات گوناگون میداند. که بعضی برای خوردن بعضی برای سواری بعضی برای راحتی و برخی برای ازدواج است؛ و آنگاه این آیه را می آورد: "ولله جعل لكم من انفسكم ازواجاً" (مهریزی، ۱۳۸۴، ص ۵۲). و یا شیخ فضل الله نوری از مصادیق مایه های وحشت متدینین را «اباحه مسکرات و اشاعه فاحشه خانه ها و افتتاح مدارس تربیت نسوان و دبستان دو شیزگان و...» میداند» (همان، ۶۲). در مقابل این دیدگاه نظر بزرگانی دیگر همچون حضرت آیت الله خمینی (ره) است که می فرماید: "اسلام نظر خاصی نسبت به زنان دارد، اسلام آنان را سربلند و سرافراز کرد. اسلام آنان را با مردان مساوی کرد... اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملت گرفته شوند ملتها به شکست و انحطاط کشیده می شوند... زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند" (کدیور، ۱۳۸۱، ص ۶۶-۶۵). و یا حضرت آیت الله صانعی در گفتگو با تلویزیون اسپانیا اظهار می دارند: "امروز برخی بینشهای سیاسی در جهت محرومیت زنان از حقوقشان در تلاشند و یک نحو سیاست استبدادزده در این مسئله چیره شده است به نظر ما یک زن در جامعه اسلامی از تمام حقوق فردی و اجتماعی خود برخوردار است به گونه ای که حتی میتواند بالاترین مناسب حکومتی از قبیل ریاست دولت و رهبری را نیز در اختیار بگیرد. (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت ایت الله العظمی صانعی). در هر شکل و با پذیرش تمام اختلاف نظرهای فقهی و تفسیری باید پذیرفت که شریعت اسلام قائل به نظامی حقوقی میباشد که در آن وظایف و اختیارات زن و شوهر را در خانواده به تفصیل بیان داشته لیکن آنچه از منظر جامعه شناختی مورد اهمیت است ثمراتی است که این نوع نگرش در جامعه برجای می گذارد که مشهودترین آنها تبعیض جنسیتی و تقسیم مرد و زن به شهروندان درجه یک و دو است. اما آنچه قابل تامل است اینکه قطعاً شرایط زمانی و نوع فهم و برداشت عالمان دین در احکام صادره جاری و ساری است و آنچه مسلم است تغییر ساختار نهاد خانواده آنگونه که حتی بخش عمده ای از مردان نیز نمی توانند امروز به ضعیفه بودن زنان باور داشته باشند و برتری مطلق مردان را بجای جستجوی در تاریخ، در آفرینش خداوندی و علل مطلق

روانی و فیزیولوژیک بکاوند و آنرا به عنوان موهبتی خدادادی در باورهای شخصی خود جای دهند لاجرم به جهت ارتباط وثیق نهادهای اجتماعی و سازمانهای ذیربط به نظر میرسد جای اجتهادات نو و عرضه به جامعه در حال گذار ایران کنونی به شدت خالی است زیرا « باید از قبول این موضوع که زنان در مقام مادر لزوماً باید نقش ثانویه بعهد داشته باشند خوداری کرد به جای آن باید شکلی از شهروندی را بنا کرد که بتواند تمام جنبه های مدنی، سیاسی و اجتماعی را در هم ادغام و درضمن تضمین کند که در همه تصمیم گیریها به خانواده به منزله خانواده، بیشترین اهمیت داده شود، مفهوم شهروندی خانوادگی شیوه ای از درک و فهم و تعیین جایگاه حقوق و تکالیف فردی در چهارچوب زندگی خانوادگی است» (برناردز، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷).

لذا تا مادامی که زن و مرد بعنوان دو موجود جدای از یکدیگر، یکی قدر بیند بر صدر نشیند و دیگری در حضيض منزلت گرفتار جفاها و نارواییها باشد که گاه توجیحات دینی و یا بهتر، ایدئولوژیک نیز مددکار و همیار عاملین ایجاد آن باشد نمی توانیم از منظر دیانت در تعریف درست هنجارهای جدید و مورد نیاز اجتماعی و در بازتعریف ساختار نهادهای اجتماعی چشم امید جدی داشته باشیم و این مهم محقق نمی گردد مگر با تیزبینی متدینین و اهل فضل و دیانت و فاصله گرفتن از حوزه اقتدار گرایانه یکسویه مرد سالار و دوری گزیدن از تقسیم انسان به موجودی درجه یک بنام « مرد » و موجودی درجه دو بنام « زن ».

#### حقوق و تکالیف خانواده از نگاه قانون مدنی

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده که خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و ... زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیء بودن). و یا (بزار کار بودن). در خدمت اشاعه فرهنگ مصرف زدگی و استثمار خارج شده ... و خود هم‌رزم مردان در میدانهای فعال حیات میباید.

لذا در ادامه موادی چند از قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران را مرور خواهیم کرد.

#### الف) مهریه

ماده ۱۰۸۰: تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است.

ماده ۱۰۸۲: به مجرد عقد، زن مالک مهر میشود و میتواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن

بنماید

## حقوق و تکالیف زوجین در خانواده ایرانی ..... ۱۱

ماده ۱۰۸۵: زن میتواند تا مهریه او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او مال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود .

و مواد ۱۰۸۶، ۱۰۷۸، ۱۰۹۰ و ۱۰۹۱ قانون مدنی که در خصوص مهریه وضع شده اند

### ب) نفقه

ماده ۱۱۰۶: در عقد دائم نفقه زن بعهده شوهر است .

ماده ۱۱۰۷: نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت

زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا

نقصان اعضا و مواد ۱۱۰۸، ۱۱۱۱ و ۱۲۰۳ که در مورد نفقه می باشند

ج). تمکین زن و ریاست شوهر :

ماده ۱۱۰۲- همین که نکاح به صورت صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و تکالیف

و حقوق زوجین در مقابل همدیگر برقرار میشود .

ماده ۱۱۰۵- در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است .

و مواد ۱۱۰۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۷ و ۱۱۱۹ که به این موضوع دلالت دارند

### د) طلاق

ماده ۱۱۲۹- در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او

به دادن نفقه زن میتواند برای طلاق به حاکم شرع رجوع کند و حاکم شوهر را مجبور به طلاق می

نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

ماده ۱۱۳۰- در صورتیکه دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد وی می تواند به حاکم

شرع رجوع و تقاضای طلاق نماید، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه

می تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتیکه اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع

طلاق داده میشود .

ماده ۱۱۳۳- مرد میتواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.

آنچه از فحوای مواد قانونی مذکور بارز و روشن است اینکه کفه حق به نفع مردان سنگینی می

کند و بیشتر با برداشتی همراه است که زن را در اختیار شوهر میداند، نه همسر او، و نگاه قانون به

خانواده بعنوان نهادی اجتماعی با ساختار مشارکت اعضا نیست بلکه ساختاری خطی و عمودی

تعریف شده که کاملاً همسان با ساختار پاتریمالیستی قدرت در جامعه ایران است که همواره نیز مردان در راس آن بوده اند در صورتیکه تغییرات اخیر در جهان و ایران طی دهه های اخیر در جهت تغییر این رابطه عمل نموده و امروز بخش عمده ای از زنان خود را عضوی هم شأن با مرد در نهادی مشترک بنام خانواده می دانند، حال این شرایط و واقعیتها چه به مذاق برخی خوش آید یا خیر چیزی را تغییر نمی دهد و واقعیتهای بیرونی همچنان پا برجا و مستحکم می باشند و انتظار این است « توجه خود را معطوف به عضوی خاص از خانواده نکنیم بلکه به عملکردهای بسیار مهم و متقاعد کننده پردازیم چرا که بر اساس مفهوم شهروندی خانوادگی ، خانوادهها در ارتباط با همه اعضای خود ، بدون هرگونه ارجحیتی ، حقوق و وظایفی دارند» (برناردز ، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲).

#### خانواده از نگاه فرهنگ عمومی

از آنجا که نظام حقوقی در جامعه ، ارتباطی وثیق دارد با تعریف آن حوزه فکری از انسان (زن و مرد). پس ناگزیر نگاهی هر چند اجمالی خواهیم داشت به تعریف زن و مرد از منظر فرهنگ عمومی جامعه و شاید بیشتر با تمرکز موضوع بر روی نقش زنان به ادامه بحث پردازیم. چرا که تاریخ ایران در ادوار گذشته تاریخی بوده مردسالار و همواره مردان محق بودند و زنان مکلف، و برای زنان بجز در دهه های اخیر تاریخی حقی که قابل استیفاء باشد متصور نبوده لیکن طی تحولات دهه های اخیر (دوره رضاخان تا کنون). بویژه پس از انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ زنان در تعریف حقوق خود و استیفای آن تلاشهای مجدانه ای به خرج داده اند تا دو کفه ترازو حق و تکلیف در خانواده بطور معقولی متعادل شود.

« ادبیات و فرهنگ هر ملت میتواند آینه تمام نمای باورها ، ارزشها ، رفتارها ، آرزوها ، و امیدهای آن ملت باشد » (کدیور، ۱۳۸۰، ص ۲۴). و دید ایرانیان به زن و مرد از منظر فرهنگ عامه را به راحتی می توان از امثال و اشعار رایج میان مردمان دریافت .

آنچه واضح و روشن است تمامی این مفاهیم در تصدیق ارج نازل زن و بی نصیب از خرد و اندیشه و ... است و در مقابل تمامی محاسن عالم و آدم یکجا در مردان جمع است. حال این تاریخ مذکر ایران چرا اینگونه رقم خورده خود حکایتی دیگر است اما ماحصل تمرکز بلامنازعه قدرت در دست مردان پیامدهائی همچون حذف زنان از عرصه های سیاسی - اجتماعی و عملاً بی بهره ماندن کشور از خدمات نیمی از جمعیت موثر خود ، تربیت فرزندان اقتدارگرا که در شکل حاد

آن به تعبیر اریک فروم به سادیسم و مازوخیسم اجتماعی دچار می شوند و تعطیلی عقلانیت در تمام جمعیت کشور زیرا مردان را زور آنها و پدیده هائی تاریخی حاکم کرده و حاکم بلامنازعه را هیچ نیازی به تعقل و تدبیر نیست و زنان را نه فرصتی و نه نیازی برای اندیشه ورزی بوده چرا که در شیردهی اولاد و کنج آشپزخانه ها حکمت و اندیشه را جایی نیست و زنی که تمام ذوق و شوق او خرید زیورآلات و البسه چین و چنان و یا تقلید مبتذلانه از مدل‌های جدید مانکن های عرضه شده باشد چندان نیازی به استفاده از سلولهای خاکستری مغز خویش ندارد اما از آنجاکه امروزه نمی توان بی اعتنا به توانمندیهای موجود جامعه در زمینه های انسانی بود و توسعه پایدار جز بر مدار انسان و با مشارکت تمامی افراد به سهم و توان واقعی خویش محقق نمی گردد لذا نهادهایی همچون حکومت، آموزش و پرورش و آموزش عالی، دین و سازمانهای مربوطه، رسانه ملی و ... رسالتی سنگین بر دوش دارند

"الگوها و کلیشه های رفتاری که ساختار فکری مردم را در برخورد با جنسیت مخالف شکل می دهد معمولاً از طریق کتابهای درسی در مقطع ابتدایی و در جریان آموزش رفتاری درمهد کودکان همچنین زیرسلطه تربیت خانوادگی تثبیت می شود. بعد از دوره کودکی، مطبوعات، رسانه ها، خطبه های دینی و در مجموع فرآ ورده های فرهنگی به الگوها که در آن ذهنیت جا افتاده است توش و توان سیاسی بخشیده است... به اندازه ای که هرگونه الگوی جدید رفتاری و تغییر کلیشه با مقاومت روبرو شده و افکار عمومی سازگاری خود را با ضرورت‌های جدید از دست می دهد" (کار، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷). نظام تربیتی هر کشور نقشی بی بدیل در شکل گیری افکار و اندیشه های یک ملت دارد و اگر نخواهیم به سمت جبرگرایی مطلق اجتماعی دورکیمی برویم لااقل میتوان بیان داشت که آموزه های رسمی و غیر رسمی یک نظام اجتماعی توان شکل دهی به بخش عمده ای از ارزشهای حاکم بر جامعه را دارد، در نظام تربیتی حاکم بر این کشور زنان را یا موجوداتی درجه دو برشمرده اند که باید در اختیار تام مردان باشند حتی دختران و خواهران زیر سیطره پسران و برادران قرار داشته اند یا بنام ترقی خواهی و آزادی از یوغ سنتهای پوسیده مردسالار آنها را به برهنگی و عریانی ترغیب کرده اند و در دهه های اخیر است که راه سومی هرچند دشوار فراروی زن ایرانی گشوده شده است. «عنصر المعالی در قابوسنامه در باب بیست و هشتم در باب زن خواستن چنین اندرز میدهد: ای پسر ..... زنان باید شرمناک و پارسا باشند و

کوتاه زبان و کوتاه دست و... از دست زن دراز زبان بگیریز. یا خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری توصیه میکند: شوهر باید در مصالح کلی زندگی با زن خود مشورت نکند و او را بر اسرار خود واقف نگرداند و مقدار مال و مایه خود را از او پوشیده دارد... بهترین زنان زنی بود که در عقل و دیانت و عفت و حیا و کوتاه زبانی و طاعت شوهر و بذل نفس در خدمت او باشد» (احمدی خراسانی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹). آنچه گذشت شرایط عمومی زنان و نگرش عمومی ایرانیان به زن بوده که متأسفانه این مشرب هم‌پرنگرش مذهبی و دینی افراد و حتی علمای اسلام در آن زمان تاثیر می‌گذاشته و هم از آن تاثیر پذیر بوده است. ولی این واقعیت غیر قابل انکار است که "زن" به مثابه "انسان" به رسمیت شناخته نمی‌شده و کارکرد زنان با خدمت به شوهران و زاییدن و پرورش فرزندان تعریف می‌شده و نجابت و حیای زن نیز با سکوت و پذیرش ظلم مردان بنام "اقتدار" مترادف بوده است لازم به ذکر است که شرایط زنان در ایران فقط این وضعیت را نداشته بلکه در حال حاضر نیز «جان لوونسکی (۲۰۰۵). بیان می‌کند که موانع سترگی در برابر حضور زنان در نهادهای سیاسی که فرهنگ مرد سالار و مذکر مآب در آنها جا افتاده وجود دارد و تعصبات مبتنی بر جنسیت در این نهادهای سیاسی که بر پایه پنداشته‌های سنتی تقسیم کار جنسیتی بنا شده حضور زنان را اقدامی خصمانه در ورود به نهادهای مردانه تلقی می‌نمایند و این پرسش را طرح می‌کند که گسترش بحث نابرابری جنسیتی در یک فرهنگ سیاسی پدرسالار چه معنایی می‌تواند داشته باشد.» (Lombardo, 2008, p7). لیکن با تمام این موانع و دشواریها می‌توان اذعان داشت که در سده اخیر تغییرات سیاسی اجتماعی از جمله حکومت پهلویها، روند توسعه برون زای کشور و سیر صنعتی شدن و مدرنیزاسیون ایران، تاسیس مدارس جدید بویژه مراکز آموزش عالی و حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی پس از انقلاب اسلامی توانست تغییراتی در جمعیت زنان شکل دهد «هرچند پهلویها تغییرات اجتماعی را در عرصه حضور زنان موجب گردیدند لیکن مهدیقلی هدایت می‌نویسد: رضا شاه از تمدن اروپایی آنچه ظاهری بود بدون توجه به اصالت تمدن آنان گرفت... در این اوقات روزی به شاه عرض کردم تمدنی که آوازه اش عالم گیر است دو تمدن است، یکی تظاهرات در بولوارها، یکی تمدن ناشی از لابراتوارها و تمدنی که مفید است و قابل تقلید تمدن ناشی از لابراتوارها و کتابخانه هاست... آثاری که بیشتر ظاهر شد تمدن بولوارها بود که بیشتر به کار لاله زار می‌خورد» (کدیور، ۱۳۸۱، صص ۱۵۱-۱۵۰). به تبع تحولات پس از انقلاب و استقرار نظام

جمهوری اسلامی و اجرای سیاست های تدوین شده تغییراتی چشمگیر در عرصه حضور زنان در اجتماع و بالطبع نگرش عمومی به زن ایجاد شد از جمله ارتقاء شاخصهای مربوط در حوزه آموزش و پرورش، آموزش عالی، فرهنگ و هنر، فعالیتهای اجتماعی از جمله اشتغال، مشارکت سیاسی، بهداشت مادران، و ... امروزه اذعان میشود، باینکه "برای رویارویی موثر و داشتن توان و قدرت فکری، برنامه ای و مدیریتی می بایستی زنان در جمهوری اسلامی ایران به یکسری مهارتها و توانایی های اثربخش و تاثیرگذار در زندگی خانوادگی و زندگی اجتماعی دست پیدا کنند." (شجاعی، ۵۸). و این یعنی پذیرش حضور زن توانمند در عرصه های اجتماعی، اگر زمانی زن می بایست در بستوی خانه می نشست و خاموشی او نشان نجابت او بود و فضیلت او به رویت نامحرم نرسیدن بود و حقوق او سیری شکم به قدر بضاعت مرد و دنیایی از تکالیف رنگارنگ که اهم آن خدمت به مردان بوده، امروز نیز اگر نتوانستیم در قالب نظامی جامع به ایفای حقوق زن و متعادل ساختن حقوق و تکالیف زن و مرد پردازیم اما در طی کمتر از سه دهه بدین جا رسیده ایم که « زنان ایرانی که در بر پائی انقلاب اسلامی، نقش برجسته ای را ایفا کرده بودند دگرگون سازی روابط نا برابر و تبعیض آمیز علیه خود را هدف قرار داده اند ولی رفتارهای اجتماعی در چارچوب نهادها و قوانینی تنظیم گردیده که به دهها سال پیش تعلق دارد. این سابقه در بسیاری موارد به قرنهای پیش و ساختار اجتماعی و فرهنگی کاملاً متفاوت با شرایط جاری مربوط می شود، امروزه در برنامه های توسعه توجه ویژه ای به اهمیت و جایگاه نیروی انسانی و اهمیت و ضرورت مدیریت مناسب و کار آمد نیروی انسانی و منابع انسانی صورت می گیرد. تامین برابری انسانی زنان و مردان اینک در این برنامه ها جنبه محوری پیدا کرده است.» (کولایی، ۱۳۸۴، صص ۱۸۹-۱۸۷). فعالیت در عرصه برابر سازی حقوق زنان در حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر روز اهمیت بیشتر و حساسیت روز افزون تری می یابد به گونه ای که « ارتقاء برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان بعنوان بخشی از اهداف توسعه سازمان ملل برای سال ۲۰۱۵ تعریف شده است.» (Permaneyer, 2008, p87). آنچه گذشت مروری بود بر شرایط اجتماعی و حضور زنان در عرصه اجتماعی- فرهنگی و نگرش جامعه به زن و آنچه غیر قابل انکار است اینکه زن ایرانی از شرایطی که دارای ثبات دیرینه و سنتی بوده جدا شده و به عرصه ای جدید که هنوز دارای تناقضاتی است که از سوی صاحب نظران رفع نگردیده وارد شده لیکن آنچه مسلم است زن ایرانی به شرایط گذ

شته خویش با زگشت نخواهد داشت و این شرایط نو، حوزه " حقوق و تکلیف زن و مرد در خانواده" را نیز تحت تاثیر و تغییر قرار داده و بسیاری از مفاهیم رابه چالش کشیده و از آنجا که نظام اجتماعی تعریف شده ای هنوز مستقر نشده است پس نظام حقوقی متناظر بانظام اجتماعی نیز شکل و قوام نیافته لیکن تغییراتی ایجاد شده که این تغییرات اگرچه از نظر برخی کند است ولی در نهایت به نفع زنان و حضور زن در عرصه ی اجتماعی و تلاشی در راستای جایگاه انسانی زن می باشد اما در کشورهای توسعه یافته که جنبش های اجتماعی سابقه بیشتری از کشورهایی همچون ایران داشته و موفقیتهایی را نیز کسب کرده اند هنوز برابری جنسیتی تحقق مطلوبی نیافته لذا نگاهی خواهیم داشت به تقسیم جنسیتی مشاغل سیاسی، اقتصادی و قضایی در برخی کشورهای اروپایی و غیر اروپایی در سال ۲۰۰۸ میلادی برابر گزارش منتشر شده از سوی اتحادیه اروپایی: <sup>۱</sup>

در مقدمه این گزارش آمده است که برابری جنسیتی بعنوان یک حق اساسی، یک ارزش متعارف و شرط ضروری رشد عینی اروپا شناخته شده است و نماد این برابری در تصمیم سازی در سطح مدیریت های سیاسی هر جامعه نمایان می باشد. برابر گزارش مذکور مسیر طراحی شده در سال ۲۰۰۶ برای وصول به برابری بین مردان و زنان طی مدت ۵ سال تا سال ۲۰۱۰ میلادی در ۶ حوزه تعریف شده است که عبارتند از: استقلال اقتصادی برابر برای مردان و زنان، کسب مهارت زندگی خصوصی و خانوادگی، مشارکت برابر در تصمیم سازی، پایان دادن به هر شکلی از سلطه بر پایه جنسیت، پرهیز از کلیشه های ذهنی جنسیتی ترویج برابری جنسیتی در بیرون از مرزهای اروپا و سیاستهای توسعه. این گزارش حاکی از این است که تعداد نمایندگان زن اتحادیه اروپا از ۱۶٪ در سال ۱۹۹۷ به ۲۴٪ در سال ۲۰۰۷ رسیده است اما هنوز تا ۳۰٪ تعریف شده برای تأثیر گذاری بر روی سیاستهای اتخاذی فاصله دارد و از ۲۰ کشور جهان که به حداقل تعریف شده (۳۰٪) رسیده اند فقط ۸ کشور سوئد، فنلاند، هلند، دانمارک، اسپانیا، بلژیک، آلمان و استرالیا عضو اتحادیه اروپا می باشند و بلژیک طی دهه اخیر بیشترین پیشرفت را در متعادل سازی جنسیتی پارلمان خویش انجام داده بصورتی که سهم زنان پارلمان از ۱۲٪ به ۳۵٪ رسیده است. همچنین سهم زنان در مجالس محلی در کشورهایی همچون فرانسه و سوئد به ۴۸٪ می رسد و بطور

متوسط می توان گفت که حضور زنان در کابینه های اروپایی ۱ به ۳ می باشد (۲۴٪ زنان ، ۷۶٪ مردان). و ۸ کشور انگلستان ، پرتغال ، لیتوانی ، فرانسه ، لهستان ، بلغارستان ، فنلاند و آلمان ریاست زن بر دولتهای ملی خویش را تجربه کرده اند . دستگاه قضایی در جامعه اروپایی بطور متوسط از ۷۰٪ مرد و ۳۰٪ زن تشکیل شده لیکن این ارقام از تعداد بالای زن در دستگاه قضایی کشور هایی همچون بلغارستان با سهم ۷۶٪ زن و رومانی با ۷۴٪ زن متأثر می باشد .

بر اساس گزارش یاد شده سهم متوسط زنان در پارلمان ها ملی کشورهای جهان از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۶ طی یک روند نزولی از ۱۲/۵ درصد به کمتر از ۱۱٪ رسیده لیکن پس از آن با فراز و فرودهای مقطعی ، روند صعودی داشته و توانسته در سال ۲۰۰۷ خود را به حدود ۱۸٪ برساند .

حضور زنان در پارلمانهای دولتهای عربی کمتر از ۱۰٪ ، در اتحادیه اروپا حدود ۲۳٪ ، کشور های اسکاندیناوی بیش از ۴۱٪ و در دولتهای آمریکایی نیز حدود ۲۰٪ می باشد .

طی گزارشی دیگر از وضعیت کشورهای اتحادیه اروپایی<sup>۱</sup> ، از مجموع شاغلین حوزه علوم و فن آوری این کشورها در سنین ۲۵ تا ۶۵ سال زنان با ۲۹/۷ میلیون نفر توانسته اند ۵۰/۸ درصد را به خود اختصاص دهند و زنان لیتوانی با ۷۲٪ ، بیشترین سهم را به خود اختصاص دادند.

مجموع شرایط سیاسی ، اجتماعی ایران و کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه حکایت از این نکته دارد که موضوعی بنام نابرابری جنسیتی هر چند همچنان در بسیاری از زمینه ها خودنمایی می کند ولی با چالشهای جدی و سنگین روبروی می باشد و زنان ایران نیز از پیامدهای مجادله آمیز این چالش بر کنار نیستند .

### روش تحقیق

در این پژوهش از دو روش اسنادی و پیمایش بهره گیری شده است ، سعی گردیده درحوزه های دین ، قانون مدنی ، فرهنگ عمومی و قیاس وضع موجود ایران با سایر کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه از منابع مکتوب استفاده شود و در بخش سنجش نظر مشارکت جویانه زنان و مردان مبتنی بر حقوق و تکالیف برابر در زندگی زناشویی از روش پیمایش بهره گیری شده است که

---

2-Meri , Tomas , Women employed in science and technology , statistics in focus , European communities,2008

جامعه آماری پژوهش را جمعیت ۴۰-۲۵ سال شهر هشتگرد تشکیل داده و نمونه گیری با روش تصادفی در گروههای قابل دسترس صورت گرفته و اطلاعات لازم با استفاده از تکنیک پرسشنامه در جمعیتی برابر ۱۸۴ نفر به عنوان جمعیت نمونه جمع آوری گردیده است.

### متغیرها و شاخص های تحقیق

در بخش پیمایش از این پژوهش، متغیر وابسته عبارت است از، نگاه مشارکت جویانه زنان و مردان مبتنی بر حقوق و تکالیف برابر در زندگی زناشویی و متغیرهای مستقل تحقیق را می توان، تصمیم گیری مشترک در امور زندگی خانوادگی، عدم تسلط مبتنی بر جنسیت، حضور در عرصه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، احترام متقابل و پرهیز از هتک حرمت و خشونت و دوری از ایفای نقش مطابق با کلیشه های جنسیتی نام برد که می تواند توسط شاخصهای زیر سنجیده شوند:

لزوم تصمیم گیری مشترک در زندگی زناشویی، هیچ یک از زوجین به لحاظ جنسیت بر دیگری تسلط ندارد، حضور زنان در عرصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از حقوق آنها محسوب می شود، ریاست خانواده با مرد است، خروج زن از منزل با اجازه شوهر می باشد، انجام کارهای خانگی از وظایف اختصاصی زنان است، مراقبت و نگهداری فرزندان از وظایف مشترک پدر و مادر است، احترام متقابل و پرهیز از خشونت و هتک حرمت از وظایف متقابل زوجین است، استقلال مالی زنان از جمله حقوق آنها محسوب می گردد، تأمین هزینه خانواده از وظایف اختصاصی شوهر است، نقش ها و وظایف کلیشه ای زن و شوهر در خانواده نیاز به بازنگری دارد.

### یافته های تحقیق

فراوانی نسبی هر یک از پاسخ هادر خصوص شاخص های پژوهش به صورت سه بخش موافق و کاملاً موافق، تا حدودی موافق، مخالف و کاملاً مخالف در جدول شماره یک درج گردیده است

پاسخگویان میزان تأثیر ارتباطات و رسانه را در شکل گیری فکر خویش در خصوص نگاه به نقش ها و وظایف مبتنی بر حقوق و تکالیف زوجین را به شرح جدول شماره ۲ اعلام داشته اند.

از مجموع ۱۸۴ نفر پاسخگو، ۹۲ نفر را مردان و ۹۲ نفر را زنان، ۵۷ نفر را افراد مجرد و ۱۲۷ نفر را افراد متأهل تشکیل داده اند. هم چنین قابل ذکر است که ۴۷/۷ درصد از زنان متأهل اعلام

داشته اند در تصمیم گیری های اساسی زندگی خانوادگی در حد خیلی زیاد مشارکت دارند ، ۴۰ درصد در حد زیاد ، ۷/۷ درصد تا حدودی ، ۱/۵ درصد در حد کم و ۳/۱ درصد در حد خیلی کم و سهم مردان متاهل در انجام کارهای خانگی بدین گونه است که ۶۱/۳ درصد در حد کمتر از ۱۰٪ ، ۱۷/۷ درصد در حدود ۲۰-۱۰٪ ، ۸/۱ درصد در حد ۳۰-۲۰٪ ، ۸/۱ درصد در حد ۴۰-۳۰٪ و ۴/۸ درصد در حد بیش از ۴۰٪ می باشد و در پایان فراوانی نسبی پاسخگویان در خصوص نگاه مشارکت جویانه زن و شوهر مبتنی بر حقوق و تکالیف برابر در خانواده به شرح جدول شماره ۱ می باشد .

جدول شماره ۱- فراوانی نسبی شاخص های پژوهش

ردیف	شاخص	موافق و کاملاً موافق			تا حدودی موافق			مخالف و کاملاً مخالف		
		مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع
۱	تصمیم گیری مشترک زن و شوهر در امورات زندگی	۸۵/۹	۹۷/۸	۹۱/۸	۱۰/۹	۱/۱	۶	۳/۳	۱/۱	۲/۲
۲	عدم تسلط جنسیتی زن و شوهر بر یکدیگر	۷۱/۷	۶۸/۱	۶۹/۹	۱۷/۴	۱۶/۵	۱۶/۹	۱۰/۹	۱۵/۴	۱۳/۱
۳	حضور زنان در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از حقوق مسلم او محسوب میشود.	۷۷/۲	۹۰/۱	۸۳/۶	۱۷/۴	۸/۸	۱۳/۱	۵/۴	۱/۱	۳/۳
۴	ریاست مرد در خانواده	۷۱/۷	۳۸/۹	۵/۵۵	۲۱/۷	۳۱/۱	۲۶/۴	۶/۵	۳۰	۱۸/۱
۵	خروج زن از منزل با اجازه شوهر	۷۱/۷	۶۶/۳	۶۹	۱۸/۵	۲۰/۷	۱۹/۶	۹/۸	۱۳	۱۱/۴
۶	کارهای خانگی ازوظایف اختصاصی زنان محسوب می شود.	۶۰/۹	۴۵/۷	۵۳/۳	۱۸/۵	۳۱/۵	۲۵	۲۰/۷	۲۲/۸	۲۱/۷

۲۰.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۶

۰/۵	۱/۱	-	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۹۶/۲	۹۵/۷	۹۶/۷	۷	مراقبت، نگهداری و تربیت فرزند ازوظایف مشترک پدرومادری باشد.
۲/۷	-	۵/۴	-	-	-	۹۷/۳	۱۰۰	۹۶/۴	۸	احترام متقابل و پرهیز از خشونت و هتک حرمت از وظایف متقابل زن و شوهر می باشد.
۵	۳/۳	۶/۷	۱۹/۹	۱۷/۶	۲۲/۲	۷۵/۱	۷۹/۱	۷۱/۱	۹	استقلال مالی زنان در شرایط امروزی از ضروریات زندگی و از جمله حقوق اساسی و اجتماعی آنها می باشد.
۸/۲	۵/۵	۱۰/۹	۱۷/۵	۱۷/۶	۱۷/۴	۷۴/۳	۷۶/۹	۷۱/۷	۱۰	نقش ها و وظایف زن و شوهر در خانواده نیاز به بازنگری دارد.
۸/۲	۸/۷	۷/۶	۱۳/۶	۱۳	۱۴/۱	۷۸/۳	۷۸/۳	۷۸/۳	۱۱	تأمین هزینه های خانواده از وظایف اختصاصی شوهر (مرد) می باشد.
۱۱	۵/۶	۱۶/۳	۱۲/۶	۸/۹	۱۶/۳	۷۶/۴	۸۵/۶	۶۷/۴	۱۲	حق طلاق باید به صورت برابر در اختیار زن و شوهر باشد.

## ۲۱ ..... حقوق و تکالیف زوجین در خانواده ایرانی

جدول شماره ۲- تأثیر ارتباطات و رسانه بر نگاه شهروندان به نقش زوجین مطابق حقوق و تکالیف در خانواده

کم و خیلی زیاد	تاحدودی			زیاد و خیلی زیاد			کتاب، مجلات و روزنامه ها		
	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع			
۹/۹	۸/۹	۱۰/۹	۳۴/۱	۳۲/۶	۳۵/۶	۵۶	۵۶/۵	۵۵/۶	کتاب، مجلات و روزنامه ها
۶/۱	۵/۶	۶/۷	۲۶/۱	۳۱/۱	۲۱/۱	۶۷/۸	۶۲/۲	۷۳/۳	صدا و سیما
۴۴/۴	۲۷/۶	۶۰/۴	۱۸/۰۰	۱۷/۶	۱۸/۴	۳۷/۶	۲۲	۵۴	برنامه های ماهواره ای
۹/۸	۸/۷	۱۱	۲۸/۴	۲۸/۶	۲۸/۳	۶۱/۷	۶۰/۴	۶۳	گفت و شنودهای عمومی سطح جامعه

جدول شماره ۳- سهم زنان و مردان در تامین هزینه ها و دارایی های سرمایه ای خانواده

بیش از ۷۵٪		۷۵-۵۰٪		۵۰-۲۵٪		تا ۲۵٪		صفر		
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۶۵/۶	۷/۷	۳۱/۱	۲۰	۱/۶	۱۰/۸	-	۵۲/۳	۱/۶	سهم از هزینه	
۱۰/۸	۲۸/۳	-	۲۵	۱۲/۳	۲۱/۷	۱۵/۴	۱۳/۳	۶۱/۵	۱۱/۷	سهم از دارایی

جدول شماره ۴- فراوانی نسبی پاسخگویان در مورد مشارکت زن و شوهر مبتنی بر حقوق و تکالیف برابر در خانواده

مرد	زن	جمع	
۴۴/۴	۶۵/۹	۵۵/۱	برابر
۵۳/۳	۳۴/۱	۴۳/۸	تا حدودی برابر
۲/۲	-	۱/۱	نا برابر

### بحث و نتیجه گیری

خانواده به عنوان نهاد اجتماعی متشکل از مرد، زن و فرزندان (فرزند). نهادی دیر پا و به غایت تاریخی است که در مسیر تاریخی خود شکلها و ساختارهای متفاوت را تجربه کرده و می کند و به

بیان دورکیم « بیش از آنکه پدیده ای زیستی یا طبیعی باشد یک پدیده اجتماعی است آنگونه که شناخت آن مستلزم شناخت کل جامعه است و همچون نمادی است که از آن انتزاع پذیر نیست » (ساروخانی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰). و بر اساس ساختارهای موجود درونی، نظامی از حقوق و تکالیف بر آن مرتب بوده، اگر مجموعه نگرشهای حقوقی - تکلیفی مرد و زن را در قالب نهاد خانواده به عنوان طیفی انگاریم که جزم اندیشان متحجرددریک سوی آن و ساختار شکنان لاقید و آنارشویست در سوی دیگر آن قرار داشته باشند، خانواده به عنوان ماوایی جهت سکنی گزیدن و آرامش اهل آن به بهانه احقاق حق یکی و یا تضييع حق دیگری، مورد اجحاف واقع گردیده، بخشی زن - عضو خانواده - را در ردیف بهایم قراردادده و مرد را رئیس خانواده معرفی می نمایند و زن را مکلف به پاسخگویی نیازمندیهای مرد آن سان که اومی طلبد میدانند فارغ ازاینکه در این نوع نگرش دگماتیک به نوع انسان توهین نموده اند و زنی را فاقد عقل و قوه تفکر بر شمرده اند که خداوند عز و جل از مصادیق آن - آسیه و مریم - به نیکی یاد می کند و پیامبر خدا، زهرا(س). را " ام ایها " می شمارد و در دنیای نو نیز شهروندی است با تمام حقوق مدنی و گروهی دیگر چنان عنان اختیار و تعقل از کف داده اند که حتی تفاوتهای بیولوژیک زن و مرد بعنوان ارکان خانواده را نیز خوش دارند تا نادیده انگارند .

شریعت نورانی احمدی و بویژه مذهب شیعه اعتقاد راسخ بر عدل خداوندی دارد پس ارجاع نابرابریهای زن و مرد به ذات اقدس خداوند و خروج از دایره عدالت در خصوص زن و مرد به مثابه انسان و هم نوع از سوی هر کس و هر طرز فکر و نحله ای باشد اگر خوشبینانه بنگریم از کج فهمی و کژ اندیشی نشات میگیرد و آنجا که برداشتهای دینی به مدد اثبات " ضعیفه " بودن زن آمده تا او را از توان مند سازی باز دارد و از او موجودی پستو نشین سازد و فضیلت او را زائیدن بچه و رسیدگی به شوهر به عنوان خدای خانه قلمداد کند، همداستانی ارکان زر و زور و تزویر در کار بوده است تا توان نیمی از اجتماع را بگیرد و دل نیمی دیگر را به ریاست بر بهایم خوش دارد و این ارتباط وثیق را پیر روشن ضمیر حضرت علامه شیخ محمد حسین نائینی (ره). آنجا که غوغا چیان، مشروطه و آزادی را با بی حجابی نوامیس ملت مسلمان ایران برابر معرفی می کنند چه خوش روشن میکند که می فرماید:

" لهدا همان شعبه استبداد دینی به اقتضای همان وظیفه مقامیه خود که حفظ شجره خبیثه استبداد را به اسم حفظ دین قدیما و حدیثا متکفل بوده و هست و خطاب مستطاب : و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق و انتم تعلمون را مانند مخاطبین اولین آن پس پشت انداخت .... حتی بی حجاب بیرون آمدن زنان و نحو ذالک از آنچه به داستان استبداد و مشروطیت درست از بحر اخضر بی ربط تر است از لوازم و مقتضیات این حریت مظلومه مغضوبه شمرندند .... ملت ایران هر چند چشم و گوش بسته و از مقتضیات دین و ضروریات مذهب به واسطه گمان ماها بی خبر به حقوق ملیه و آزادی از این رقیب ملعونه و مساوات با غاصبین حریت ، و حقوقشان پی نبرده و جز مسخریت برای خوشگذرانی و چپاول مفت خواران معمم و کلاهی رتبه ای برای خود تصور نکرده ... این مقدار را خوب می فهمند که این همه جانبازیهای عقلا و دانایان ... برای فرستادن نوامیس خود بی حجاب به بازار .... نخواهد بود (نائینی، ۱۳۷۸، ص ۶۱-۶۰). فلذا در این سو عده ای زن را چنان خوار و ذلیل کرده اند که موجودی است بی اختیار در دستان مرد و به واقع اگر جنس دوم بنامیش باز به مقام متصوره او ارتقاء و رشد بخشیده ایم و از مرد موجودی عنان گسیخته ، متکبر و خدای خانه ساخته اند و در هر شکل خواسته و نا خواسته خانواده را از ارتباطات عقلانی خود خارج و کار کرد نهاد خانواده را از کار کرد اصلی خود به دور انداخته اند و گروه دوم خیره به تحولات مغرب زمین ، بدون غور و کاوش در منابع فکری و مبانی تمدنی غربیان به قول مهدیقلی خان هدایت بولواریها را دیدند و لابراتوارها را ندیدند . وبدون شناخت از شکل گیری پدیده ها و با قشری نگری متجددانه بر غربی شدن خانواده متشکل از زن ، مرد و فرزندان تاکید می ورزند چرا که زن و مرد خانواده ایرانی جز در یک فرایند توسعه پایدار مبتنی بر شرایط اجتماعی - فرهنگی ایران و با بهره گیری از پتانسیل های ملی و دینی به دور از وهمیات و قشری نگری نمی توانند به بالندگی مطلوب برسند ، امروزه اگر ندای توسعه پایدار در جامعه ایران سر داده میشود ناگزیر به مشارکت تمامی شهروندان از مرد وزن و قوام نهادهای اجتماعی از جمله خانواده میباشیم . لذا بر نخبگان فکری - فرهنگی و دلسوزان این ملک و ملت است تا با بینش علمی شکل کار آمد روابط خانوادگی را بشناسند و به مردم عرضه دارند و امید است نهاد مرجعیت دینی نیز با تلاشی مضاعف و روشن بینی لازم بتواند پاسخگوی نیازهای اجتماعی روزگار ما باشد تا با اتکاء به نیرو های متخصص و دلسوز ایران شاهد بالندگی و پرورش انسان در بستر خانواده ها

باشیم زیرا برای اصلاح جایگاه زن و مرد در خانواده ایرانی ناگزیر به تغییر در نظام مرد سالار آن هستیم و بگفته کاستلز « نظام پدرسالار ساختار بنیادی تمام جوامع معاصر است و برای امکان پذیر شدن اعمال این اقتدار ، پدرسالاری باید سراسر سازمان جامعه ، از تولید و مصرف گرفته تا سیاست و قانون و فرهنگ را در نوردد» (کاستلز، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵). و نباید فراموش کنیم که بالغ بر ۶۰ درصد پذیرفته شدگان مراکز آموزش عالی کشور ما را دختران جوانی تشکیل میدهند که همجنسان ایشان در دهه های گذشته در سیطره فرهنگ واپسگرای مردسالار باید تمامی آرزوهای خویش را به کنج آشپزخانه ها می سپردند لیکن حضور گسترده دختران در عرصه های اجتماعی نشانی است از خیزش زنان ایران برای تقویت بنیه های علمی ، اجتماعی و فرهنگی خویش ، هر چند تا جبران قرنها عقب ماندگی تاریخی زنان راهی دراز در این کشور در پیش است لیکن این شواهد نوید بخش تغییراتی مثبت است و لازم به یادآوری است جامعه مردان ایران نیز باید از این روند استقبال نمایند چرا که همین دختران در فردا و فرداها ، نقش همسر، مادر، معلم ، متخصص و ... را در تعاملات اجتماعی بعهده خواهند گرفت پس لازم است بجای نگرانی از رشد و ارتقای اجتماعی زنان به بهانه های بهم خوردن تعادلات اجتماعی و آماده نبودن زیرساختهای لازم ، با همت زنان و مردان این کشور تدابیر لازم برای توسعه ای پایدار از سوی نهادهای اجتماعی متولی اندیشیده شود تا مرد و زن بعنوان انسان و هم‌نوع و ارکان همسنگ و خلل ناپذیر نهاد خانواده در کنار هم به رشد و بالندگی لازم برای ساختن فردائی روشن و امید بخش و بدور از هرگونه تبعیض جنسیتی پردازند.

#### فهرست منابع و ماخذ

- احمدی خراسانی، نوشین (۱۳۸۱). *زنان زیر سایه پدر خوانده ها*. تهران: اطلاعات ، برناردز، جان (۱۳۸۴). *درآمدی بر مطالعه خانواده*. تهران: نشر نی ، ساروخانی ، باقر (۱۳۸۴). *مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش، شجاعی ، زهرا [بی تا]. *مجموعه سخنرانیها و مقالات زهرا شجاعی (برای زنان فردا)*. ج ۲. تهران: روز نو، صناعی ، یوسف [بی تا]. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی صناعی طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۰). *تفسیر المیزان جلد ۱۸*. سید محمد باقر موسوی همدانی. تهران: نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی ،

- عسکری ، حسین (۱۳۸۴). "بررسی فقهی حقوقی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان". پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج ، دانشکده الهیات،  
کار ، مهر انگیز (۱۳۷۹). **رفع تبعیض از زنان**. تهران : نشر قطره ،  
کاستلز ، مانوئل (۱۳۸۵). **عصر اطلاعات : اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)**، جلد ۲. ترجمه حسن  
چاوشیان. تهران : انتشارات طرح نو،  
کاظم زاده ، علی (۱۳۸۲). **تفاوت حقوقی زن و مرد**. تهران : نشر میزان ،  
کدیور ، جمیله (۱۳۸۱). **زن**. تهران : اطلاعات ،  
کولایی ، الهه (۱۳۸۴). **پژوهش در مسائل زنان ایرانی ، مجموعه مقالات زن و پژوهش**. تهران: دبیرخانه  
جشنواره زن و پژوهش ،  
محمودی ، عباسعلی (۱۳۷۸). **پژوهشی قرآنی، فقهی و حقوقی در باره مردودوزن**. تهران: نشر مطهر،  
مهریزی، مهدی (۱۳۸۳). "رویکردهای مذهبی در تاریخ معاصر ایران در باره زن". **فصلنامه ریحانه**. شماره  
، ۹

نائینی ، محمد حسین (۱۳۷۸). **تنبیه الامة و تنزیه المله**. تهران : شرکت سهامی انتشار ،

- Lombardo , Emanuela(2008).“Gender Inequality in Politics”. **International Feminist Journal of Politics** .Available at : [www.informaworld.com](http://www.informaworld.com)  
Permanyer , Inaki(2008).”On the Measurement of Gender Equality and Gender Development Levels”. **Journal of Human Development** .Vol. 9 , No. 1 , March  
Meri , Tomas(2008). “Women employed in science and technology , Statistics in focus”. **European Communities** ,  
Women and men in decision – making 2007 Analysis of situation and trends. **European Commission** , 2008